

اخلاق فاضله

3) – ادب در مقابل خداوند «ج»

(حسن معاشرت، حسن محضر)

تعداد آیات «9»



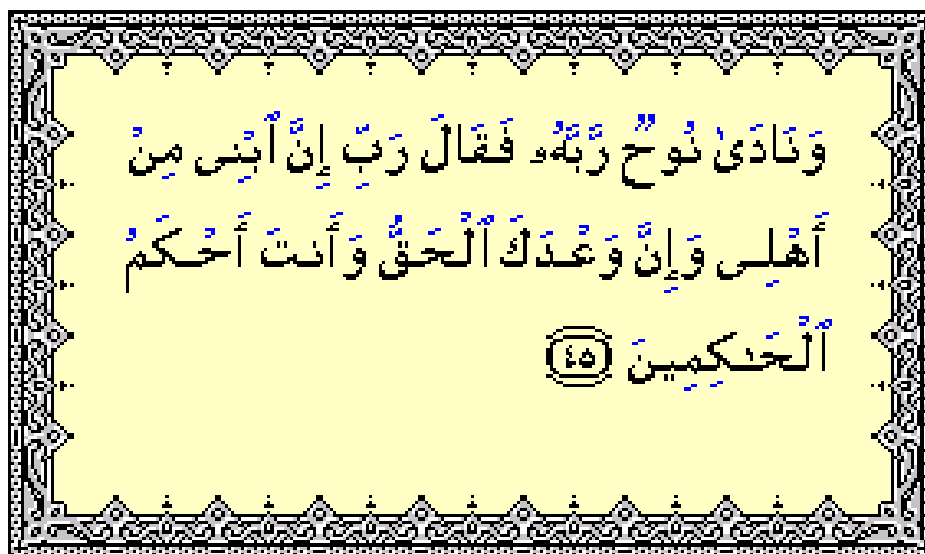
قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

(2 : 32) (فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم; تو دانا و حکیمی.» (32))



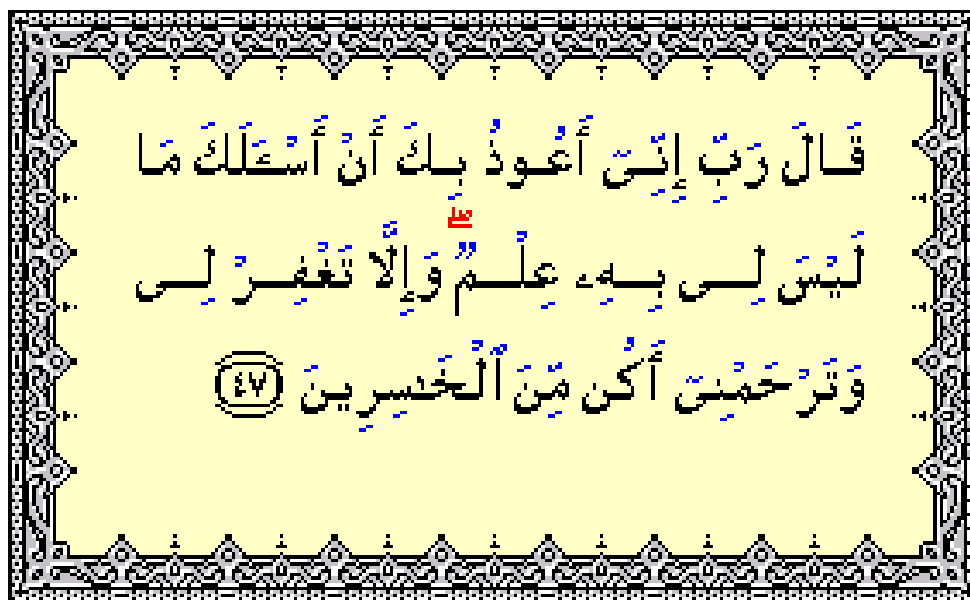
(7 : 143) (و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود

ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!» (143)



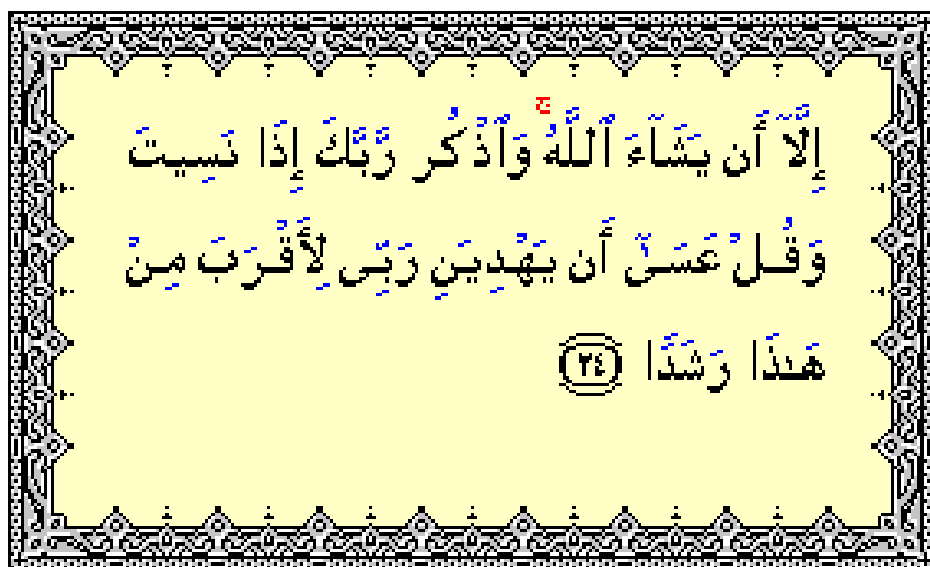
(11 : 45) نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکمکنندگان برتری!» (45)



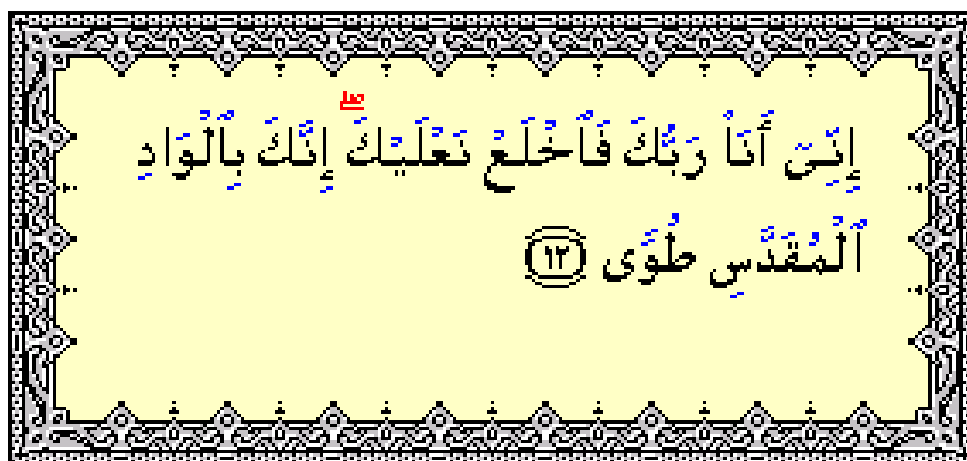


(11 : 47) عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!» (47)

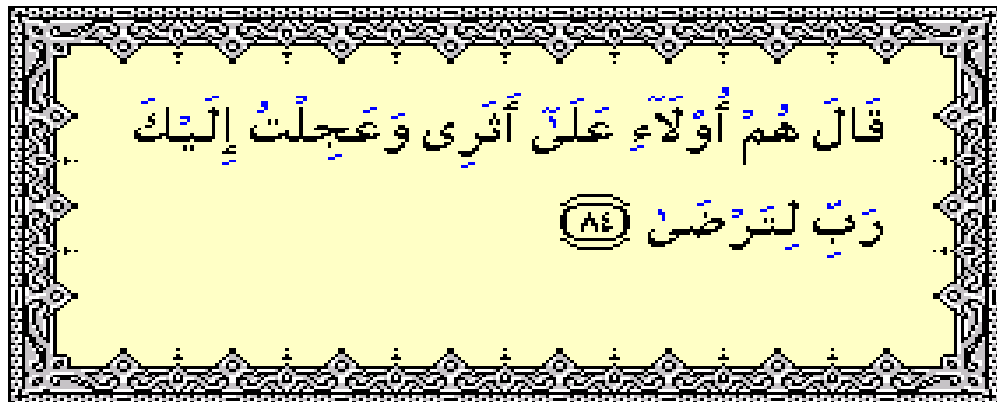




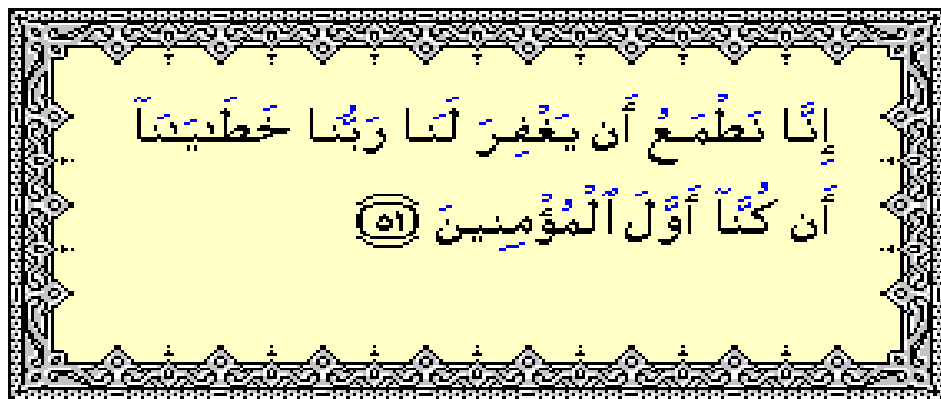
(18 : 24) (مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور; و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (24)



(12 : 20) (من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی!) (12)

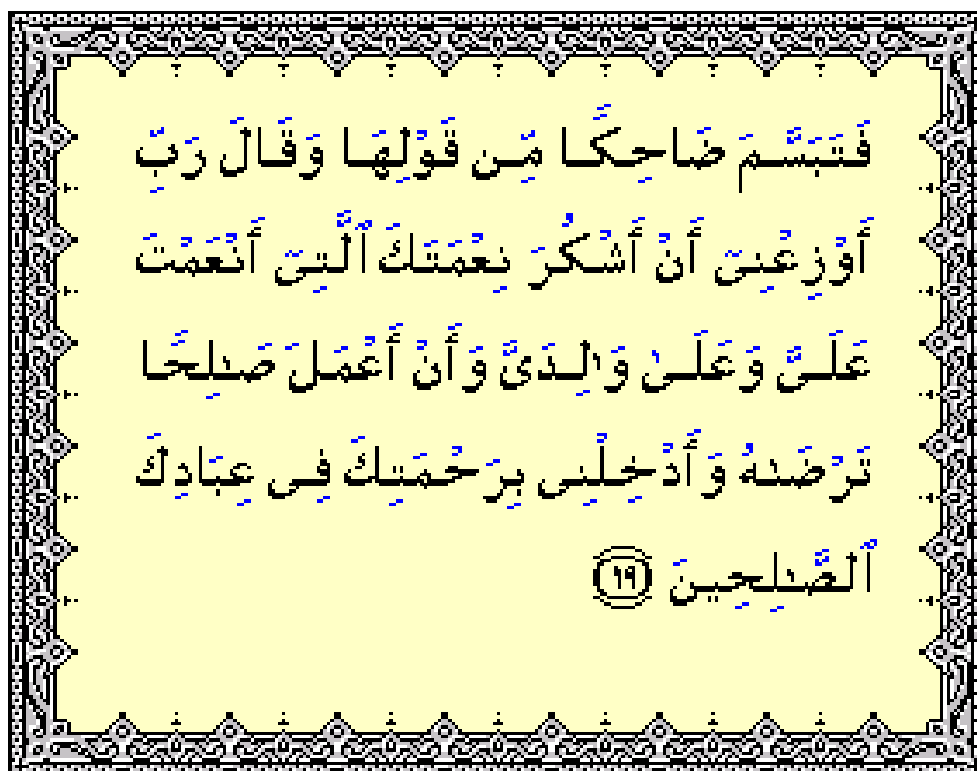


(84 : 20) (عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند; و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی!» (84))



(51 : 26) (ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم!) (51)





(19 : 27) (سليمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت:
«پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به
من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام
دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!» (19)

ختم ادب درمقابل خداوند « ج »

